

The Other and Moral Panic; the Reproduction of Alienation and Xenophobia in the News Discourse of the Islamic Republic of Iran

Davoud Nemati Anaraki *

Faculty Member of the Faculty of Communication, I.R.I.B University, Tehran, Iran

Hadi Nazari 

Master of Communication, I.R.I.B University, Tehran, Iran

Abstract

Mass media are also contributing to the production and reproduction of this procedure. The media play an important role in conveying political and social identities by representing other. In this article, we have attempted to study the phenomenon of alienation and xenophobia in the news discourse of the Islamic Republic of Iran. To this end, we chose America as an "alienation" or an important "other" and studied the representation of the country's policies in the news discourse of the Islamic Republic of Iran. Since the representation of the "other" in relation to "self" makes sense, the main question of the research is that the American policy is described as "alien" or "other", and how is it defined as "identity" through the representation of other? In this regard, channel one News at 9 o'clock of Sima was selected as one of the most important news sections of Sima. We have organized a theoretical approach to theoretical foundations of the concept of "representation", "discourse", "identity", and the theory of "moral panic". The answer to the research model was studied at two levels. In this way, based on a compilation model of discourse analysis and semiotics, the analysis of news texts at the visual and auditory levels was discussed. The research findings show that the channel News one is reproduced in the representation of American politics, "other hierarchy" and "other", and in contrast to identity as "militant", "revolutionary", "aware", and so on.


Keywords: Representation, Alienation, Xenophobia, Moral, panic, American.

* Corresponding Author: mirhadinazari66@gmail.com @gmail.com


How to Cite: Nemati Anaraki, D., Nazari, H. (2021). The Other and Moral Panic; the Reproduction of Alienation and Xenophobia in the News Discourse of the Islamic Republic of Iran, *Journal of New Media Studies*, 7(27), 175-206.

دیگری و هراس اخلاقی؛ بازتولید بیگانه‌ستیزی و بیگانه‌هراسی در گفتمان خبری سیمای جمهوری اسلامی ایران

عضو هیئت‌علمی گروه ارتباطات دانشکده ارتباطات دانشگاه صداوسیما
جمهوری اسلامی، تهران، ایران.

داود نعمتی انارکی 

کارشناسی‌ارشد ارتباطات دانشگاه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، تهران،
ایران.

هادی نظری *

چکیده

رسانه‌ها با بازنمایی «دیگری» بیگانه‌نقش مهمی در برساختن هویت‌های سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کنند. در این مقاله کوشیده‌ایم تا نمود بیگانه‌هراسی و بیگانه‌ستیزی را در گفتمان خبری سیمای جمهوری اسلامی ایران مورد واکاوی قرار دهیم. به این منظور آمریکا به‌عنوان بیگانه یا «دیگری» مهم انتخاب و بازنمایی سیاست‌های این کشور را در گفتمان خبری سیمای جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه قرار دادیم. از آنجاکه بازنمایی «دیگری» در پیوند با «خود» معنا پیدا می‌کند سؤال اصلی تحقیق چنین طرح می‌شود؛ سیاست‌های آمریکا به‌عنوان «بیگانه» یا «دیگری» چگونه بازنمایی شده و از خلال بازنمایی دیگری، هویت «خودی» چگونه تعریف می‌شود. در این راستا بخش خبری ساعت ۲۱ شبکه یک سیما به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های خبری سیمای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. رویکرد نظری تحقیق را پیرامون مبانی نظری مفهوم «بازنمایی»، «گفتمان»، «هویت» و نظریه «هراس اخلاقی» سامان دادیم. برای پاسخ به مسئله تحقیق نمونه‌ها، بر اساس مدلی تلفیقی از تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که گفتمان خبری شبکه یک در بازنمایی سیاست‌های آمریکا «دیگر‌هراسی» و «دیگر‌ستیزی» را بازتولید و در مقابل بر هویت خودی به‌عنوان هویتی «مبارز»، «انقلابی»، «آگاه» و... تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: بازنمایی، بیگانه‌ستیزی، بیگانه‌هراسی، هراس اخلاقی، آمریکا.

مقدمه

در دوران معاصر با مواجهه گسترده مدرنیته با ایران، غرب به «دیگری» مهم ایرانیان تبدیل شد. این رویارویی عمیق و ورود گسترده مدرنیته به تاروپود جامعه ایرانی واکنش‌های متفاوتی در پی داشت و بسیاری را بر آن واداشت تا رابطه «خود» با این «دیگری» مهم را تعریف کنند. منازعه معنایی بر سر غرب و تعیین مرزهای هویتی «خود» و «دیگری» ابعاد متفاوتی داشته است به طوری که این منازعه تاکنون ادامه دارد و گفت‌وگوهای مختلف، معناهای متفاوتی از آن به دست داده‌اند. این منازعه خود در منازعه کلان‌تری به نام نزاع سنت و مدرنیته، ساخت سیاسی و اجتماعی ایران معاصر را شکل داده است. در این منازعه معنایی گفت‌وگوهای هویتی در رویارویی با غرب هر کدام با مرکزیت بخشیدن به یک دسته از عناصر و مؤلفه‌ها و به حاشیه راندن برخی عناصر و مؤلفه‌های دیگر، به بر ساخت و تعیین مرزهای هویتی «خود» و «دیگری» مبادرت ورزیده‌اند. بنابراین می‌توان چنین گفت که رویارویی دیگری غربی و تلاش برای تعریف «خویش‌شن» و «دیگری» ویژگی مهم تاریخ فکری و سیاسی ایرانیان است.

«غرب در دوره‌های متقدم قاجار به مثابه شر رمز پردازی شده بود، ولی در دوره‌های میانی و متأخر قاجار به این رمز پردازی وزن کمتری داده شد. بر اساس این تغییر در وزن دهی، دو نوع روایت اصلی در جامعه شکل گرفت: سنت‌گرا و تجددگرا. برحسب اینکه کدام یک از این دو گروه، قدرت اجتماعی بیشتری داشته و کنترل ابزار نمادین را در اختیار داشته‌اند، یکی از دو سازه فرهنگی در جامعه مسلط شده است» (آزاد ارمکی و نبوی، ۱۳۹۲: ۲۶). در ادامه حکومت پهلوی با توجه به کنترل ابزارهای نمادین، درصدد تثبیت معنایی از غرب به مثابه «ایده‌آل» برآمد و سیاست تجددگرایی را در پیش گرفت. به این ترتیب «روایت اروپامحورانه از مدرنیته توسط بسیاری از نخبگان و روشنفکران و حکومت اقتدارگرای پهلوی پذیرفته شد. در همین راستا تلاش حکومت پهلوی چنین بود که باسیاستی آمرانه و خشونت‌بار و بی‌اعتنا به سنت و بافت بومی و فرهنگی جامعه، مدرن شدن به شیوه غربی را به سرعت در جامعه ایران محقق کند. این خط‌مشی سیاسی، ضد خود

را درون خود می‌آفریند و جریان‌هایی پدید می‌آید که می‌خواهند نظراً و عملاً جایگزینی برای سیاست مدرنیزاسیون حکومت بیابند» (میرسپاسی، ۱۳۹۳، ص ۷). از جمله این جریان‌ها گفتمان اسلام انقلابی بود که به‌طور جدی با قیام ۱۵ خرداد آغاز و در بهمن ۵۷ به پیروزی رسید. با پیروزی انقلاب قدرت تفسیر و معنا دهی این گفتمان به محیط پیرامون شدت بیشتری یافت و با به حاشیه راندن گفتمان‌های رقیب در صدد تثبیت معناهای مورد نظر خود برآمد. گفتمان انقلاب اسلامی در یک فرایند غیریت‌ساز مهم‌ترین «غیر» خود را غرب تعریف کرد و به طرد این «دیگری» پرداخت.

در گفتمان انقلاب اسلامی و غیرسازی برخاسته از آن آمریکا برجستگی خاصی دارد. آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت و نماد جهان سرمایه‌داری در کانون شناسایی جریان‌های انقلابی قرار داشت به‌گونه‌ای که در منظومه گفتاری امام خمینی (ره) به‌عنوان «شیطان بزرگ» بازنمایی شده است.

در این جدال گفتمانی و نزاع معنایی بازنمایی رسانه‌ای از اهمیت خاصی برخوردار است و در رقابت بر سر دلالت بخشیدن به مفاهیم و تقابل‌های دو گانه «خود» و «دیگری» نقش حیاتی دارند. «درواقع گفتمان‌ها برای تغییر روابط قدرت، هژمونیک شدن و ساختن سوژه‌های مورد نظر خود متکی به رسانه‌ها و بازنمایی‌های آن‌ها هستند. بازنمایی جایگاهی است که در آن فرایند شکل‌دهی به سوژه‌های گفتمانی به‌طور لاینقطع در حال رخ دادن است. با این حال نقش رسانه‌ها در این فرایند ساده و یک‌سویه نیست. رسانه‌ها از یک‌سو از گفتمان‌های متفاوت متأثر می‌شوند و متون تولیدی آن‌ها تحت تأثیر گزاره‌های گفتمانی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر عملکرد رسانه‌ها و متونی که تولید می‌کنند نیز به‌نوبه خود پیوسته نظم گفتمانی مستقر را تغییر می‌دهد» (اکبرزاده جهرمی، ۱۳۹۱، ص ۷).

اینک پژوهش حاضر با توجه به اهمیت تلویزیون در جامعه ایران به‌عنوان یک «ابر مرجع» معنا ساز و هویت‌بخش به مطالعه بازنمایی خبری سیاست‌های آمریکا در سیمای جمهوری اسلامی می‌پردازد. اینکه گفتمان خبری سیمای جمهوری اسلامی ایران چه

تصویری از «دیگری» ارائه داده است و از خلال بازنمایی دیگری، «خویشتن» را چگونه تعریف کرده است؟

ادبیات نظری

بازنمایی

امروزه مفهوم «بازنمایی»^۱ در مطالعات فرهنگی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. بازنمایی بخش اساسی از فرایندی است که به تولید معنا و مبادله آن میان اعضای یک فرهنگ می‌پردازد و شامل استفاده از زبان، نشانه‌ها و ایماژهایی می‌شود که به بازنمایی می‌پردازد (Hall & Jhally, 2007:15)؛ بنابراین تعریف، بازنمایی عمل ساخت معنا از طریق نشانه‌ها و زبان است. استوارت هال^۲ برای بیان چگونگی ارتباط میان بازنمایی، معنا، زبان و فرهنگ، سه رویکرد متفاوت را تشخیص داده است؛ رویکرد بازتابی، نیت‌گرا یا ارادی و سازه‌انگار یا برساخت‌گرایی. هال با نقد دو رویکرد اول و دوم، رویکرد سوم را مورد تأکید قرار می‌دهد.

«بر اساس رویکرد بازتابی، معنی در شیء، شخص، ایده یا رویداد موجود در جهان خارج نهفته است و زبان مانند آینه‌ای عمل می‌کند که معنی حقیقی را به همان صورت که در جهان خارج وجود دارد، بازتاب می‌دهد. رهیافت دوم درباره بازنمایی استدلال می‌کند که این گوینده یا مؤلف است که معنای منحصر به فرد خود را از طریق زبان بر جهان تحمیل می‌کند. لغات همان معنایی را می‌دهند که مؤلف می‌خواهد. به این رویکرد، رویکرد ارادی (نیت‌گرا) می‌گویند. رهیافت سوم این ویژگی عمومی اجتماعی زبان را می‌پذیرد که خود چیزها و کاربران فردی زبان هیچ‌یک نمی‌توانند معنا را در زبان تعیین و تعریف کنند. چیزها معنا ندارند، بلکه ما با استفاده از نظام‌های بازنمایی-یعنی مفاهیم و نشانه‌ها-معنا می‌سازیم؛ بنابراین این رهیافت، رهیافت سازه‌انگار یا برساخت‌گرا نامیده می‌شود. مطابق این رهیافت، ما نباید جهان مادی را که چیزها و آدمیان در آن حضور دارند، با اعمال

1. Representation

2. Stuart Hall

نمادین و فرآیندهایی که بازنمایی، معنی و زبان از طریق آن‌ها عمل می‌کند، اشتباه بگیریم. سازه‌انگاران وجود جهان مادی را انکار نمی‌کنند. به نظر آن‌ها، جهان مادی حامل معنا نیست، بلکه نظام زبانی یا هر نظامی که برای بیان یا بازنمایی مفاهیم خود به کار می‌بریم حامل معناست. کنشگران اجتماعی هستند که نظام‌های مفهومی فرهنگ خود و نظام‌های زبانی را به کار می‌برند تا معنا بسازند، جهان را معنادار کنند و درباره آن جهان ارتباط معناداری با دیگران برقرار کنند.» (هال، ۱۳۹۳: ۴۸-۵۰).

گفتمان و بازنمایی؛ گفتمان به مثابه «نظام بازنمایی»

گفتمان شیوه خاص بازنمایی «خود»^۱ و «دیگری»^۲ و روابط بین آن‌هاست. به عبارتی یک گفتمان مجموعه‌ای از عبارات است که زبانی برای صحبت کردن درباره نوع خاصی از دانش درباره یک موضوع ارائه می‌کند. وقتی بیاناتی درباره یک موضوع در درون یک گفتمان خاص اختیار می‌شود، این گفتمان شیوه‌های دیگری را که موضوع مورد بحث را می‌توان مطرح ساخت محدود می‌سازد. گفتمان یک نوع زبان و یک «نظام بازنمایی» است که از لحاظ سیاسی و اجتماعی بسط می‌یابد تا مجموعه‌ای منسجم از معانی را درباره یک حیطه موضوعی مهم به وجود آورد و توزیع کند. این معانی در خدمت منافع آن بخش از جامعه است که گفتمان از درون آن سرچشمه گرفته است و از طریق عملکرد ایدئولوژیکی‌اش تلاش می‌کند آن معانی را به عقل سلیم مبدل سازد. در اندیشه میشل فوکو^۳ دانش و حقیقت از طریق گفتمان تولید می‌شود. هیچ نوع حقیقتی از پیش وجود ندارد که از طریق بازنمایی‌ها انعکاس یابد (مهدی زاده، ۱۳۸۳: ۳۵-۳۴). از نگاه فوکو، گفتمان ساحتی از «دانش» اجتماعی با مرزبندی‌های مشخص است؛ مجموعه‌ای است «از نظام‌های شناختی به شدت نظارت شده که هم شیوه و هم ابزار بازنمایی را در اجتماعی مفروض، پایش و مرزبندی می‌کنند» (Gandhi, 1988:77) «به‌طور خلاصه نسبت بین بازنمایی و گفتمان این است که آنچه معیارهای اصلی گزینش و تفسیر را برای بازنمایی

1. Self

2. Other

3. Michel Foucault

تعیین می‌کند، همانا گفتمانی است که بر متن رسانه‌ای تولید شده حاکم است. به عبارتی هرگونه بازنمایی در درون گفتمان صورت می‌گیرد.

هویت و دیگری

تعریف‌های مختلف و از منظرهای متفاوتی از «هویت»^۱ وجود دارد، اما وجه مشترک همه آنها این است که سبب تمایز خودی از دیگران می‌شود و فرد، جمع، ملت و... را از دیگران متمایز می‌نماید. «هویت وسیله شناخت و تشخیص همانندی با گروهی و تفاوت از دیگران است، شباهت با کسانی که مثل ما هستند و متفاوت از کسانی که مانند ما نیستند (woodward,2007:7)؛ بنابراین می‌توان چنین گفت که هویت در پرتو شناخت «خود» و «دیگری» و تمایز بین این دو حاصل می‌شود. در این رابطه کالهن به نقل از کاستلز چنین می‌گوید: «ما هیچ مردم بی‌نامی نمی‌شناسیم، هیچ زبان یا فرهنگی سراغ نداریم که بین خود و دیگری، ما و آنها، تمایز برقرار نساخته باشد... شناسایی خویشتن - که همواره نوعی برساختن محسوب می‌شود صرف‌نظر از اینکه تا چه حد همچون یک کشف احساس شود - هرگز به تمامه از داعیه‌های شناخته شدن به طرق خاص به وسیله دیگران جدایی‌پذیر نیست» (کاستلز، ۱۳۸۴:۲۲).

بنابراین در رویکردهای جدید به مقوله هویت، برساختی بودن هویت و معنا حائز اهمیت است. در حوزه زبان‌شناسی فردینان دو سوسور^۲ با طرح زبان‌شناسی ساختاری و گذر از رویکردهای سنتی به زبان و طرح مفاهیمی چون «ساختار» و «نشانه» مورد توجه ساختارگرایان و پس‌اساختارگرایان قرار گرفت و در حوزه‌ای وسیع‌تر علوم اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داد. سوسور با توجه به بحث بر روی مفاهیمی چون «تفاوت»، «زبان» و «معنا» شایسته توجه است.

سوسور با به تصویر کشیدن زبان به‌منزله نظامی از نشانه‌ها، این تصور را که زبان به‌طور ساده و سراسر است، بازتاب دهند واقعیت است، کنار گذاشت و در عوض استدلال

1. Identity

2. Ferdinand de Saussure

کرد که زبان در درون نظام مربوط به خودش عمل می‌کند. این نظام سازنده معناست. به عبارتی، معنا امری طبیعی و ذاتی نیست. معنای یک نشانه زبانی به رابطه آن با سایر نشانه‌ها بستگی دارد (مهدی زاده، ۱۳۸۹: ۹۷). به عبارتی زبان منعکس‌کننده واقعیت از پیش موجود نیست، بلکه نظامی از نشانه‌هاست که معنا را در خود و مجموعه‌ای از تفاوت‌های مفهومی و آوایی می‌سازد. سوسور می‌گوید، در زبان تفاوت‌ها دارای واژگان مطلق نیستند، یعنی معنی به دلیل وجود مرجع یا ابژه‌ای واقعی و ذاتی به وجود نمی‌آید، بلکه در اثر تفاوت نشانه‌ها از یکدیگر تولید می‌شود (بارکر، ۱۳۹۱: ۱۶۵). به عبارتی معنا حاصل تمایز و تفاوت است و در شبکه‌ای از تقابل‌های دوتایی^۱ عمل می‌کند. مثلاً مفهوم «تاریک» در مقابل «روشن» درک می‌شود. به همین ترتیب مفاهیمی چون «شب» و «روز»، «شمال» و «جنوب» و یا «شرق» و «غرب». به‌طور کلی آنچه از مباحث زبان‌شناسی سوسور در ارتباط با «دیگری» می‌توان گفت این است که زبان خنثی نیست و واسطه‌ای است که فهم ما از «خود» و جهان اجتماعی یا «دیگران» را شکل می‌دهد. به عبارتی دانش ما از «خود» و «دیگری» محصول زبان است.

متأثر نظریات سوسور، بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند که هویت «برساخته‌ای اجتماعی» است و محصول منازعه معنایی و بازنمایی‌ها است. غیریت‌سازی یکی از کارکردهای اصلی بازنمایی (استفاده از زبان) است و «دیگری» همواره محصول بازنمایی است. به دیگر سخن هویت در عرصه عمومی و سیاسی اساساً مسئله‌ای انفرادی، شخصی و روانی نیست بلکه پدیده‌ای جمعی است که به بنیان‌های فرهنگی و تاریخی و اعتقادی یک جامعه نیز مربوط می‌شود و گفتمان و فرهنگی که در یک جامعه ریشه دارد نیز از طریق همه عناصر به‌ویژه زبان، خود را منتشر می‌کند؛ یعنی زبان ابزاری برای تولید معنا و برجسته‌سازی یک هویت و طرد هویتی دیگر می‌شود؛ از این رو مفهوم «دیگری» به مقوله هویت‌سازی گره‌خورده و این هویت از خلال نظام‌های بازنمایی و بهره‌گیری از زبان برای انتقال و انتشار مضامین گفتمان خودی برساخته می‌شود. رسانه‌ها به‌مثابه زبان نیز یکی از

نظام‌های بازنمایی هستند که با تولید معنا، غیریت‌سازی و تمایز میان «خود» و «دیگری» به هویت‌سازی اقدام می‌کنند.

دیگری و هراس اخلاقی

هراس اخلاقی^۱ نظریه‌ای است که مفهوم «خود» و «دیگری» در دل آن قرار دارد. خود یا خودی‌هایی که پاسدار ارزش‌ها و اخلاقیات در جامعه هستند در مقابل دیگران اهریمنی‌ای که مرزهای اخلاقی جامعه را تهدید می‌کنند؛ بنابراین نگهبانان اخلاق و ارزش‌ها درصدد برمی‌آیند تا با ایجاد ترس و هراس با استفاده از ابزارهای نمادین شرایط کنترل و طرد دیگری اهریمن را فراهم آورند و افکار عمومی را علیه آن‌ها با خود همراه کنند. به عبارتی گفته می‌شود که هراس اخلاقی به حساسیت بالای مردم به برخی از مسائل اجتماعی که به‌عنوان تهدید علیه نظم اجتماعی مطرح می‌شود گفته می‌شود. (Cohen, 2002:16).

از نظر استنلی کوهن^۲، نقش رسانه‌ها در ایجاد هراس اخلاقی انکار ناشدنی است. رسانه‌ها با جنجال‌آفرینی و شایعه‌پراکنی به آشوب‌های اخلاقی دامن می‌زنند و خواسته یا ناخواسته هراس اخلاقی را به وجود می‌آورند. برای ایجاد هراس اخلاقی نیازی به وجود عمد در اقدامات رسانه‌ها نیست، بلکه کافی است که رسانه‌ها با گزینشگری رسانه‌ای اقدام به انتشار اخبار و داده‌ها نمایند و همین امر می‌تواند نگرانی، اضطراب و هراس را در دل مردم ایجاد نماید. (Cohen, 2002:16) کوهن در توضیح اینکه چرا مفهوم هراس اخلاقی را به کار برده توضیح می‌دهد که تجلی این گفتمان حوزه اخلاق است ولی کارزار اصلی در حوزه سیاست و پشت پرده است. عده‌ای به نام اخلاق ولی به کام سیاست وارد گفتمان هراس اخلاقی و دگرسازی می‌شوند. (شهابی، ۱۳۹۴). نگهبانان مرزهای اخلاقی با استفاده از ابزار رسانه افکار عمومی را در مسیر منافع خود جهت‌دهی می‌کنند. این کارفرمایان پشت سنگرهای مفاهیم اخلاقی و با استفاده از انواع و اقسام رسانه‌ها به حساسیت بالای مردم به برخی از مسائل اجتماعی که نوعاً به‌عنوان تهدید علیه نظم اجتماعی مطرح می‌شود،

1. Moral panics

2. Stanley Cohen

دامن می‌زنند. هدف هجمه‌های سازمان‌دهی شده از سوی سیاستمداران، دیوان‌سالاران، قانون‌گذاران و فعالان اجتماعی، اصحاب مطبوعات و صاحب نفوذانی که دانسته یا نادانسته به این وضعیت دامن زده و موجب تشدید وضعیت می‌شوند، جماعتی هستند که استنلی کوهن آن‌ها را «جماعت اهریمنی» یا «شیاطین قوم»^۱ می‌نامد؛ که موجب نقض نظم اجتماعی می‌شوند. به این ترتیب نظریه هراس اخلاقی بر پایه غیریت‌سازی گفتمان‌ها در دنیای مملو از رسانه‌های مدرن بنا شده است، دنیایی که در آن گفتمان‌ها با غیریت‌سازی، خط‌کشی، هژمونی، ضدیت، مفصل‌بندی، منطق تمایز و... راه خود را از گفتمان رقیب جدا می‌کند. گفتمان‌های در حال نزاع بر اساس ذات مقوله‌ی گفتمان و با استفاده از هراس اخلاقی دو دسته خودی و غیرخودی؛ ما و آن‌ها، ایجاد می‌کنند.

کوهن در تبیین پدیده هراس اخلاقی، تبیینی مارکسیستی ارائه می‌دهد و از تضاد منافع بین نخبگان حاکم و محکوم صحبت می‌کند. از نظر کوهن نظام سرمایه‌داری در بریتانیا به جای اینکه افکار عمومی را به تناقضات ساختاری نظام، مسابقات هسته‌ای، فقر، بیکاری و... توجه دهد، دعوای نه‌چندان مهم دو خرده‌فرهنگ را بزرگ می‌کند و با دیگری‌سازی از آن‌ها، عده‌ای را قربانی اهداف خود می‌کنند. به عبارتی کوهن از مهندسی توطئه سخن می‌گوید. عده‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند که چگونه افکار عمومی را علیه شیاطین قوم تحریک بکنند. برای این کار نیاز دارند که یک جماعت اهریمنی بسازند. این اهریمنان یا شیاطین فقط خرده‌فرهنگ جوانان نیستند، ممکن است یک شیء، یا یک پدیده باشد. ما جماعت اهریمنی (شیاطین قوم) سیاسی هم داریم که بسته به اینکه جامعه چقدر سیاست‌زده باشد غلبه پیدا می‌کنند (شهابی، ۱۳۹۴). آنجلا مک رابی نیز معتقد است هراس اخلاقی ابزاری است برای کنترل اجتماعی، اما محافظه‌کاران و راست‌ها امروزه هراس‌های اخلاقی را به شیوه‌ای خلق می‌کنند که گویا اصلاً امری مرتبط با کنترل اجتماعی نیست (Mac Robbie, 1994:199).

برخلاف رویکردهای مارکسیستی که هراس‌های اخلاقی را صرفاً در خدمت منافع حاکم و راهی برای کنترل اجتماعی می‌دانند، بن‌یهودا و گود از نسخه نومارکسیستی آن

1. Folk Devils

فاصله می‌گیرند و بر اساس تجربه آمریکا نظریه هراس اخلاقی را بسط می‌دهند. بن یهودا و گود هم در سطح کنشگران اجتماعی و هم در سطح انگیزه تولید هراس تجدیدنظر کردند. از نظر آن‌ها در سطح کنشگران فقط نخبگان نیستند که هراس اخلاقی تولید می‌کنند، بلکه جامعه مدنی و مردم عادی هم می‌توانند هراس اخلاقی تولید کنند و از نظر انگیزه تولید هراس اخلاقی فقط دسیسه‌چینی نیست، بلکه شفقت و دلسوزی و صداقت هم ممکن است هراس اخلاقی را ایجاد بکنند؛ بنابراین هراس اخلاقی صرفاً مهندسی توطئه نیست و گاهی نخبگان حاکم از سر دلسوزی و صداقت از چیزی که جامعه را تهدید می‌کند ترسیده‌اند و هشدارهای لازم را به جامعه می‌دهند و لزوم آمادگی را یادآور می‌شوند. بن یهودا و گود برای این نظریه از انقلابیون ایرانی مثال می‌زنند و می‌گویند غرب‌هراسی ایرانیان تا به امروز مصداق این تئوری است که علی‌رغم خسارت‌های مادی که از قطع ارتباط با دنیا مترتب است، ایرانی‌ها همچنان بر غرب‌هراسی و دگرهراسی خودشان پافشاری می‌کنند. (شهابی، ۱۳۹۴)؛ بنابراین بر اساس نظریه بن یهودا و گود غرب‌هراسی ایرانیان صرفاً مکانیزمی برای مهندسی و کنترل اجتماعی نیست و از طرفی هراس ایجاد شده فقط توسط نخبگان حاکم نبوده است بلکه غرب‌هراسی و غرب‌ستیزی موجود، در قبل از انقلاب در سطح کنشگرانی بیرون از گفتمان حاکم شکل گرفته است.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این تحقیق تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک^۱ است. ون‌دایک، تحلیل گزارش‌های خبری رسانه‌ها را در دو سطح مورد توجه قرار داده است؛ در یک سطح، وی سعی کرده است تا با بررسی ساختارهای متنی چون واژگان، مفاهیم ضمنی، طرح‌واره‌ها، سبک بلاغی، انسجام کلی و موضعی، مؤلفه‌های گفتمانی متون را استخراج کند و در سطح دیگر با بررسی زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی تولید متن، به تبیین ارتباط بین معانی نهفته، با متن بپردازد. از طرفی ون‌دایک می‌گوید، تحلیل گفتمان اخبار صرفاً محدود به ساختارهای متنی نیست. چراکه ساختارهای متنی، معانی، عقاید و ایدئولوژی‌های «نهفته» مختلفی را بیان

1. van Dijk

می‌کنند. برای نشان دادن نحوه ارتباط این معانی نهفته با خود متن، باید تحلیلی از زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و شناختی به دست دهیم (ون‌دایک، ۱۳۸۹:۳۳۸). در این مقاله بنا بر الگوی ون‌دایک، تحلیل گفتمان در دو سطح عملیاتی می‌شود؛ در سطح نخست، عناصر گفتمانی متن بر اساس مقولاتی چون واژگان، قطب‌بندی، تداعی معانی، منافع، استعاره، کنایه، تأکید ساختاری، پیش‌فرض‌ها و انسجام کلی (درون‌مایه متن) استخراج می‌شود و در سطح دوم، به تبیین و تحلیل یافته‌ها می‌پردازیم.

این پژوهش برای مطالعه بازنمایی «خود» و «دیگری» و پوشش خبری سیاست‌های آمریکا، بخش خبری ساعت ۲۱ شبکه یک سیما را در بازه زمانی خرداد تا دی ماه ۱۳۹۴ به مدت هشت ماه انتخاب کرده است. از آنجا که اخبار ۲۱ شبکه یک سیما از رسمی‌ترین بخش‌های خبری است می‌تواند گفتمان خبری سیمای جمهوری اسلامی را نمایندگی کند، لذا این بخش خبری برای مطالعه انتخاب و تحلیل گفتمان انتقادی می‌شود.

روش نمونه‌گیری تحقیق نمونه‌گیری هدفمند است. در نمونه‌های هدفمند یا قضاوتی، پژوهشگر واحدهای نمونه‌گیری را به صورت ذهنی و باهدف قبلی انتخاب می‌کند. ذهنیت و هدف داور است که احتمال انتخاب یک واحد نمونه‌گیری را برای نمونه، معین می‌کند. در نمونه‌گیری هدفمند، پژوهشگران بر اساس اطلاعات قبلی از جامعه آماری و با عنایت به هدف‌های معینی، داوری شخصی خود را برای انتخاب نمونه به کار می‌گیرند. در نمونه‌گیری هدفمند، نمونه به خاطر سهولت انتخاب نمی‌شود، بلکه قضاوت‌های پژوهشگر بر اساس اطلاعات قبلی او، مبنای انتخاب نمونه است (فرانکفورد و نچمیاس، ۱۳۸۱:۲۶۴). با توجه به شیوه نمونه‌گیری هدفمند ابتدا تمامی اخبار مربوط به آمریکا در بازه زمانی مشخص‌شده در بخش خبری ساعت ۲۱ شبکه یک مورد بررسی قرار گرفت و سپس باهدف انتخاب «نمونه‌های خاص» یا معرف که بازتاب‌دهنده ایدئولوژی حاکم و در چارچوب معرفی «خود» و «دیگری» باشد، تعداد ۹ خبر یا گزارش خبری برای مطالعه و تحلیل انتخاب شد. واحد تحلیل برای تحلیل گفتمان، خبر یا گزارش خبری است. نمونه‌های انتخاب‌شده در جدول زیر آمده است.

جدول ۱. نمونه‌های خبری از بخش خبری ساعت ۲۱

ردیف	موضوع	تاریخ
۱	حمایت آمریکا از افراطی‌گری در جهان اسلام	۹۴/۳/۲۴
۲	تداوم دشمنی آمریکا با ایران	۹۴/۴/۶
۳	جنایت آمریکا در خلیج فارس	۹۴/۴/۱۲
۴	مبارزه با استکبار ادامه دارد	۹۴/۴/۳۱
۵	نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد	۹۴/۵/۲۷
۶	آمریکا و تضعیف انقلاب اسلامی	۹۴/۶/۵
۷	اسلام‌ستیزی در آمریکا	۹۴/۹/۲۱
۸	تداوم تحریم‌های آمریکا پس از برجام	۹۴/۱۰/۱۱
۹	دخالت آمریکا در عراق	۹۴/۴/۷

یافته‌های پژوهش

برای تحقق هدف پژوهش در گام اول برای شناخت عناصر گفتمانی نمونه‌های خبری بر اساس مقولات تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک در قالب جدول استخراج شد؛ و در گام دوم به تحلیل و تبیین یافته‌ها بر اساس بافت اجتماعی و فرهنگی و زمینه نهادی تولید خبر پرداختیم.

گام اول: شناخت عناصر گفتمانی

جدول ۲. یافته‌های تحلیل گفتمان بخش خبری ساعت ۲۱ شبکه یک

عناصر	کارویژه‌ها و مقولات تحلیل گفتمان
واژگان	<p>واژگان منفی: تروریست؛ فشارهای آمریکا؛ مزدور آمریکا؛ نیت شوم آمریکائیان؛ فتنه؛ تفرقه؛ سیاست تفرقه‌افکنانه؛ شبکه‌های وهابی؛ جنگ فرقه‌ای؛ گروه‌های تکفیری؛ ساقط کردن هواپیمای مسافربری؛ جنایات آمریکا؛ حقوق بشر آمریکایی؛ بمب‌گذاری منافقین؛ دشمن؛ بمب‌های شیمیایی؛ قتل‌عام؛ استکبار؛ تحکیم تحریم‌ها؛ کودتای انگلیسی-آمریکایی؛ سازمان‌های جاسوسی؛ دخالت؛ سرنگونی دولت قانونی ایران؛ براندازی دولت مصدق؛ مداخله در امور داخلی؛ نفوذ؛ تضعیف آرمان‌های انقلاب اسلامی؛ توطئه؛ تغییر ماهیت انقلاب اسلامی؛ تهدید؛ اسلام‌ستیزی؛ نژادپرستی؛ تحریم‌های جدید موشکی ضد ایران؛ مقابله با برنامه موشکی ایران؛ سیاست‌های خصمانه دولت آمریکا؛ بسته تحریم‌های جدید؛ نقض توافق هسته‌ای؛ عدم</p>

کارویژه‌ها و مقولات تحلیل گفتمان	عناصر
<p>حسن نیت آمریکا؛ غیرقابل اعتماد بودن آمریکا؛ تحریم‌های خصمانه آمریکا؛ دستبرد به دارایی‌های ایران؛ دشمنی آمریکا با ملت ایران؛ بهانه‌تراشی آمریکا؛ کلک‌زدن آمریکا.</p> <p>واژگان مثبت: وحدت جهان اسلام؛ ایستادگی در مقابل فشارهای آمریکا؛ نیروهای مردمی؛ استقلال؛ آزادی؛ جمهوری اسلامی؛ مقاومت؛ پشتیبانی مردم؛ پیشرفت ایران؛ شهادت؛ مبارزه با استکبار؛ جشن مقاومت؛ جشن ادامه مبارزه با استکبار؛ دیانت؛ آرمان‌های انقلاب اسلامی؛ اعتراض به مواضع اسلام‌ستیزانه؛ مردمی؛ همبستگی؛ ابراز انزجار؛ اقتدار دفاعی؛ ایستادگی در مقابل مداخله جویی آمریکا؛ دفاع از تمامیت ارضی و استقلال کشور؛ توانمند شدن بیشتر ایران؛ اقتدار نظام.</p> <p>تعداد زیاد واژگان منفی در خبرهای مورد بررسی بیانگر ارزیابی به شدت منفی گفتمان خبری سیمای جمهوری اسلامی ایران از آمریکا به عنوان یکی از تهدیدکننده‌های اصلی انقلاب اسلامی است. واژگان منفی به کاررفته بیش از هر چیز وجه تهدیدکنندگی آمریکا را در ابعاد مختلف برجسته کرده است. بسیاری از واژگان منفی متن حول واژه کانونی «توطئه» شکل گرفته است. دخالت آمریکا در عراق برای اهداف تجزیه‌طلبانه، حمایت از گروه‌های افراطی در منطقه، تلاش برای تضعیف انقلاب اسلامی، سیاست‌های تفرقه افکنانه، وضع تحریم‌ها و... حکایت از توطئه‌گری آمریکا و در نتیجه تهدیدی است که برای انقلاب اسلامی دارد. از دیگر واژگان اصلی متن «جنایت»، «خشونت» و «سیاست‌های خصمانه آمریکا» است که در پیوند با مفهوم «توطئه» بیش از هر چیز بر دیگری «تهدیدکننده» تأکید دارد. در مقابل واژگان مثبت بازنمای هویت انقلابی و ستیز با دیگری تهدیدکننده یعنی آمریکاست.</p>	
<p>این مقوله به نحوه توصیف و معرفی «خود» یا ارزش‌های منتسب به «ما» و توصیف «دیگری» یا ارزش‌های منتسب به «آنها» می‌پردازد. ایدئولوژی قطبی‌سازی، مبنای قضاوت برای دسته‌بندی عقاید و افراد قرار می‌گیرد. قطب‌بندی یا افعال منتسب به «خود» و «دیگری» در متن‌های خبری مورد بررسی چنین بودند:</p> <p>گروه (ما): ایران / گروه‌های مقاومت در منطقه</p> <p>گروه (آنها): آمریکا / هم‌پیمانان آمریکا در منطقه / منافقین / غرب‌گرایان داخلی</p> <p>افعال منتسب به ما: ضدسلطه / مقاومت / قربانی جنایت / استکبارستیز / استعمارستیز / قربانی تروریسم / ما (ایران) حامی وحدت و یکپارچگی کشورهای مسلمان هستیم / ما (ایران) خواهان ثبات و آرامش در خاورمیانه هستیم / ما (ایران) به دنبال افزایش اقتدار دفاعی هستیم</p> <p>افعال منتسب به آنها: سلطه‌گر / جنایتکار / استعمارگر / حامی تروریسم / آنها (آمریکا) درصدد تجزیه کشورهای مسلمان هستند / آنها (آمریکا) از گروه‌های تکفیری حمایت می‌کنند / آنها (آمریکا) درصدد فتنه و تفرقه در جهان اسلام هستند / آنها (آمریکا) مدعی حقوق بشر هستند / آنها (آمریکا) دولت قانونی مصدق را سرنگون کردند (آنها مداخله‌گرند) /</p>	<p>قطب‌بندی (افعال منتسب به خود و دیگری)</p>

کارویژه‌ها و مقولات تحلیل گفتمان	عناصر
<p>آن‌ها (آمریکا) درصدد تضعیف آرمان‌های انقلاب اسلامی هستند/ آن‌ها (آمریکا) در کنار برجام درصدد نفوذ در جمهوری اسلامی هستند/ آن‌ها (آمریکا) درصدد تغییر ماهیت انقلاب اسلامی هستند/ آن‌ها (آمریکا) درصدد نفوذ فرهنگی و ترویج دموکراسی آمریکایی در ایران هستند/ آن‌ها (آمریکا) اسلام‌ستیز هستند/ آن‌ها (آمریکا) علیه مسلمانان اقدامات خشونت‌آمیز انجام می‌دهند/ آن‌ها (آمریکا) غیرقابل اعتماد هستند.</p> <p>نگاهی به افعال و ارزش‌های منتسب به «خود» و «دیگری» نشان می‌دهد که گفتمان خبری سیما بسیاری از کلیشه‌ها و انگاره‌هایی که رسانه‌های غربی به ایران و اسلام نسبت می‌دهند در جهت معکوس به آمریکا نسبت می‌دهد. گفتمان حاکم بر رسانه‌های غربی یا به عبارتی گفتمان شرق‌شناسی ایران را خطر و تهدیدی برای غرب و جهان بازنمایی می‌کنند. این شیوه بازنمایی بر حفظ مناسبات قدرت و بازتولید گفتمان غربی تأکید دارد. در مقابل گفتمان خبری سیما، آمریکا را خطر و تهدیدکننده صلح و ثبات در منطقه و عامل بسیاری از جنایات و ناآرامی‌ها در ایران و منطقه می‌داند. حقوق بشر، مبارزه با تروریسم، حمایت از دموکراسی لیبرال، تساهل‌گرایی از جمله ارزش‌های غربی هستند که گفتمان خبری سیما سعی در اعتبارزدایی و به چالش کشیدن آن‌ها را دارد. از طرفی «خود» (ایران) در جایگاه دفاع از حقوق بشر، مبارزه با تروریسم و حفظ ثبات و آرامش در خاورمیانه می‌نشیند. به این ترتیب اگر گفتمان شرق‌شناسی بازتولید کننده رابطه سلطه – اسارت است، گفتمان خبری سیما با برجسته ساختن تهدیدات آمریکا درصدد برهم زدن این رابطه و فراهم آوردن شرایطی است تا امکان کنترل، طرد و به حاشیه راندن «دیگری» را فراهم آورد.</p>	
<p>رسانه‌ها از استعاره به عنوان یک تمهید رتوریکی و انتقال معنا به مخاطب استفاده می‌کنند. استعاره علاوه بر خلق ساختار جدید سازه زبانی، تولید یک الگوی ذهنی است که درک مفهوم پیام متن بر اساس آن ساماندهی می‌شود. «منظور از استعاره فرآیندهای زبانی است که در آن ویژگی‌های یک شیء به شیء دیگر نسبت داده می‌شود به نحوی که چون از شیء دوم سخن می‌رود، گویی با شیء نخست برابر است (هاوکس، ۱۳۷۷: ۱۱). یکی از مهم‌ترین استعاراتی که در ادبیات سیاسی و رسانه‌ای ایران از دریچه آن آمریکا مفهوم سازی می‌شود «شیطان بزرگ» است. شیطان بزرگ استعاره‌ای است که تمام پلیدی، زشتی، اهریمنی و تاریکی از طریق آن به آمریکا نسبت داده می‌شود.</p> <p>گفتمان خبری سیما جمهوری اسلامی در پردازش و آماده‌سازی بسته خبری خود درباره آمریکا و پوشش سیاست‌های این کشور از استعاره برای معنابخشی و چهارچوب بخشیدن به خبرهای خود استفاده کرده است. در خبر مربوط به حمایت آمریکا و انگلیس از افراطی‌گری در جهان اسلام (۹۴/۳/۲۴)، گفتمان خبری سیما، رسانه‌های مذهبی شیعه و اهل تسنن را که در کشورهای غربی فعالیت می‌کنند دست‌پرورده‌های غرب می‌داند و آن‌ها را به کوبیدن بر طبل</p>	<p>استعاره</p>

کارویژه‌ها و مقولات تحلیل گفتمان	عناصر
<p>تفرقه در جهان اسلام متهم می‌کنند. استعاره طبل برای اشاره به وضعیت پر تشنج، ترویج خشونت و تفرقه‌افکنی این رسانه‌ها اشاره دارد. این مفهوم برای اشاره به فضایی به کار می‌رود که نزاع و همهمه این رسانه‌ها شنیدن صدای حق را سخت می‌کند. همهمه‌ای که از این طبل‌ها (رسانه‌های مذهبی) شنیده می‌شود صداهای باطلی هستند که در مقابل امواج حقیقی اسلام قرار می‌گیرند.</p> <p>در خبر مربوط به اسلام‌ستیزی در آمریکا (۹۴/۹/۲۱) به شکل‌گیری «موج اسلام‌ستیزی» در آمریکا در پی سخنرانی دونالد ترامپ نامزد ریاست جمهوری آمریکا در سخنرانی انتخاباتی خود اشاره می‌کند. در این خبر شدت و گسترش اسلام‌ستیزی و خشونت علیه مسلمانان به موجی تشبیه شده که اغلب مناطق آمریکا را در بر گرفته است. گفتمان خبری این موج را نتیجه سیاست‌های آمریکا و موضع‌گیری‌های مقامات این کشور می‌داند؛ بنابراین سیاست‌ها و اظهارات آمریکایی‌ها به‌خصوص ترامپ نامزد ریاست جمهوری باعث شکل‌گیری موجی از تهدید و خشونت علیه مسلمانان شده است.</p> <p>-در خبر دیگری مربوط به جنایت آمریکا در خلیج فارس (۹۴/۴/۱۲) به سلسله جنایت‌های آمریکا در طول دوران جنگ تحمیلی تا سرنوشتی هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس اشاره می‌شود. در این خبر با اشاره به حمایت آمریکا از صدام در جنگ این عبارت بیان می‌شود: «همان کسانی که بمب‌های شیمیایی را به صدام دادند، چراغ سبز هم به او نشان دادند». استعاره چراغ سبز اشاره به حمایت و مجوز غربی‌ها به صدام برای استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه ایران است؛ بنابراین غرب در جنایات و اقدامات صدام شریک است. اقداماتی نامشروع که به مشروعیت زدایی و اعتبارزدایی از «دیگری» می‌انجامد.</p> <p>-در خبر مربوط به ادامه مبارزه با استکبار (۹۴/۴/۳۱) گزارشگر با اشاره به پایان مذاکرات هسته‌ای در وین این جمله را به کار می‌برد: «پای شکسته دیپلماسی آمریکایی حریف پایه محکم ایدئولوژی ایرانی نشد». پای شکسته دیپلماسی در این عبارت اشاره به پای شکسته جان کری وزیر امور خارجه آمریکا است که با عصا در مذاکرات هسته‌ای حضور پیدا کرده است و در مرحله بعد معنی فراتری هم پیدا می‌کند به این معنی که کل دیپلماسی آمریکا به پای شکسته جان کری تشبیه می‌شود. این گزارش خبری جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای و برجام را حاصل مبارزه می‌داند، مبارزه‌ای که البته بعد از این هم ادامه دارد.</p> <p>به‌طور کلی خبرها و گزارش‌های موردبررسی غنای استعاری قابل‌توجهی نداشتند با این حال فضای استعاری حاکم بر برخی خبرهای موردبررسی به‌عنوان یک عملیات رتوریکی تقویت‌کننده فضای ایدئولوژیک متون خبری بودند.</p>	
<p>کنایه نیز یک تمهید زبانی است و در اصطلاح سخنی است که معنای دور و نزدیک دارد. از جمله کنایه‌هایی که در نمونه‌های خبری موردبررسی می‌توان نام برد چنین بودند:</p>	کنایه

کارویژه‌ها و مقولات تحلیل گفتمان	عناصر
<p>-در خبر حمایت از افراطی‌گری در جهان اسلام (۹۴/۳/۲۴) برای اشاره به شبکه‌های ماهواره‌ای شیعه و اهل تسنن، عبارت «شبکه‌های به اصطلاح مذهبی» به کار می‌رود. این عبارت کنایه‌ای است که در واقع مذهبی بودن ماهواره‌های شیعیان و سنیانی که در غرب فعالیت می‌کنند را زیر سؤال می‌برد و از آن‌ها اعتبار زدایی می‌کند. در همین خبر از «محمد هدایتی» روحانی شیعه که در غرب فعالیت می‌کند و قرائتی مغایر با قرائت گفتمان حاکم از مذهب شیعه دارد به عنوان روحانی‌ای که پای ثابت شبکه صدای آمریکا است یاد می‌کند. عبارت پای ثابت شبکه صدای آمریکا کنایه‌ای است برای بی‌اعتبار کردن شخص مورد نظر است. این عبارت ضمن اینکه درصدد اعتبارزدایی از شخص و شبکه مذهبی آن‌هاست، حمایت آمریکا از افراطی‌گری را نشان می‌دهد.</p> <p>-در خبر مربوط به جنایت آمریکا در خلیج فارس (۹۴/۴/۱۲) گفته می‌شود: آمریکا یک کشور مدعی حقوق بشر است. «ادعای حقوق بشر آمریکا» کنایه‌ای است که در واقع درصدد مشروعیت زدایی و زیر سؤال بردن کشوری است که از حقوق بشر استفاده ابزاری می‌کند. خبر نه تنها ادعای حقوق بشر آمریکا را به چالش می‌کشانند بلکه آن را ناقض و تهدیدکننده اصلی حقوق بشر می‌داند.</p> <p>-در خبری با موضوع آمریکا و تضعیف انقلاب اسلامی (۹۴/۶/۵) از نسخه پیچیدن اندیشکده‌های آمریکایی برای تغییر در ایران سخن می‌گوید. نسخه پیچیدن کنایه از طرح و برنامه‌ریزی برای تغییر در ایران است. می‌شود گفت ایران بیماری فرض شده که دواي درد آن را آمریکا تجویز کرده است. این کنایه قوام‌بخش مؤلفه اصلی این خبر یعنی «نفوذ» است. کنایه دیگری که در این خبر به کاررفته است این است: «ثئوری جوزف نای برای اجرا در ایران روی میز باشد» به معنی آمادگی آمریکا برای نفوذ و توطئه در ایران است. در واقع این جمله شاهدهی بر این است که غرب به سردمداری آمریکا درصدد تضعیف آرمان‌ها انقلاب است.</p> <p>در همین خبر گفته می‌شود «آمریکا می‌خواهد از کنار برجام، ایران نقش پسر خوب را برایش بازی کند». پسر خوب نیز کنایه از مطیع و گوش‌به‌فرمان بودن است. آمریکا پس از برجام ایران آرام می‌خواهد نه ستیزه‌جو، بنابراین با «نفوذ» چنین هدفی را دنبال می‌کند؛ بنابراین همه تمهیدات کنایی حول مؤلفه‌های «نفوذ»، «دخالت» و «توطئه» می‌چرخد.</p> <p>-در خبر مربوط به تداوم تحریم‌های آمریکا پس از برجام (۹۴/۱۰/۱۱) گفته می‌شود «تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا روی میز باقی می‌ماند» کنایه‌ای است مبنی بر اینکه تحریم‌های آمریکا ضد ایران تمام نشده است و هرلحظه آماده اعمال می‌باشد. این کنایه نمایانگر «بدعهدی آمریکا» است.</p>	
<p>تداعی معانی نیز یک تمهید زبانی و رتوریکی است که با توجه به زمینه اجتماعی، فرهنگی و تاریخی باعث تداعی و یادآوری معانی‌ای در ذهن می‌شود. از جمله تداعی معانی در متون</p>	<p>تداعی معانی</p>

کارویژه‌ها و مقولات تحلیل گفتمان	عناصر
<p>خبری مورد بررسی چنین بودند:</p> <p>-جمله «آمریکا و انگلیس درصدد تجزیه عراق هستند» در خبر مربوط به دخالت آمریکا در عراق (۹۴/۴/۷) یادآور سیاست قدرت‌های بزرگ است که همواره به دنبال تجزیه و کوچک کردن کشورها برای رسیدن به منافع خود هستند. به این ترتیب متن با بیان اینکه درگیری‌ها در عراق توطئه بیگانگان است، دفاع و آزادسازی شهرها را مشروع و تجزیه عراق را در جهت تأمین منافع غرب و لذا عملی نامشروع قلمداد می‌کند. از طرفی دخالت قدرت‌های بزرگ یادآور سیاست قدیمی تفرقه بینداز و حکومت کن است، مبنی بر اینکه قدرت‌های بزرگ و سرویس‌های جاسوسی آن‌ها با دامن زدن به اختلافات و اعمال نفوذ، به مداخله در امور داخلی کشورها می‌پردازند و به این ترتیب منافع خود را تأمین می‌کنند. به این ترتیب مداخله‌گری و سیاست استعماری وجه بارز تداعی این خبر است.</p> <p>-در خبری با موضوع حمایت آمریکا از افراطی‌گری در جهان اسلام (۹۴/۳/۲۴) که به فعالیت شبکه‌های ماهواره‌ای مذهبی در کشورهای غربی به خصوص آمریکا می‌پردازد، چندین بار از واژه «فته» استفاده شد. این مفهوم تداعی حداقل دو رویداد در ادبیات دینی و سیاسی ماست. اولین تداعی مربوط می‌شود به آنچه در جهان اسلام و ادبیات دینی تشیع در صدر اسلام رخ داده و آن دودستگی‌هایی بود که بعد از پیامبر و خصوصاً در زمان امامت اما علی (ع) رخ داد. از طرفی در ادبیات سیاسی ایران نیز این مفهوم آشنایی است که بعد از حوادث ۸۸ به واژه‌ی آشنایی در فضای سیاسی و رسانه‌ای ایران تبدیل شده است. در همین خبر از «سیاست تفرقه‌افکنانه» سخن گفته می‌شود. سیاست تفرقه‌افکنانه ضمن اینکه در پیوند با مفهوم فتنه قرار دارد، یادآور سیاست‌های استعماری غرب به خصوص انگلیس در گذشته و آمریکا در حال است و عبارت «تفرقه بینداز و حکومت کن» را به ذهن متبادر می‌کند؛ بنابراین این تداعی‌ها در راستای چارچوب‌بندی خبر و مؤلفه‌هایی چون «تفرقه» و «توطئه» قرار دارد.</p> <p>-در خبر اسلام‌ستیزی در آمریکا (۹۴/۹/۲۱): گفته می‌شود «در سیاتل آمریکا حمزه رسام نوجوان ۱۶ ساله مسلمان قربانی نژادپرستی شد» مفهوم نژادپرستی تداعی‌کننده سرکوبگری‌های رژیم‌های نژادپرستی چون آلمان نازی و آفریقای جنوبی است که با سیاست‌های نژادپرستانه خود غیرخودی‌ها را به شدت سرکوب می‌کردند. به این ترتیب اسلام‌ستیزی در آمریکا به عنوان یک عمل نژادپرستانه به شدت تقبیح می‌شود.</p>	
<p>هر متنی از چشم‌انداز و منظری خاص سخن می‌گوید؛ چشم‌اندازهایی مانند دموکرات، آزادی‌خواه اومانیت و غیره. چشم‌اندازهای اتخاذشده در متون خبری بررسی شده چنین بودند. محکومیت اسلام‌ستیزی در آمریکا و دفاع از حقوق مسلمان؛ گفتمان مقاومت و ضرورت مبارزه با نظام سلطه؛ مخالفت با سیاست‌های تجزیه طلبانه آمریکا در منطقه؛ دفاع از وحدت جهان اسلام و نفی سیاست‌های تفرقه‌افکنانه رسانه‌های مذهبی که از جغرافیای غرب اداره</p>	<p>چشم‌انداز (منظر)</p>

کارویژه‌ها و مقولات تحلیل گفتمان	عناصر
<p>می‌شود؛ حمایت از وحدت و آرامش در جهان اسلام؛ تقبیح و افشاسازی سیاست‌های فتنه‌انگیز غرب؛ محکومیت دشمنی‌ها و اقدامات تروریستی علیه ایران و لزوم مقاومت و ایستادگی در برابر آمریکا؛ برملا کردن جنایات آمریکا و نفی حقوق بشر آمریکایی؛ ضرورت ادامه مبارزه با آمریکا؛ هشدار نسبت به نفوذ غرب بعد از مذاکرات هسته‌ای</p>	
<p>تأکید ساختاری به کنش‌های منفی دیگران و کنش مثبت خود در تیتراژ، لید و مقدمه اشاره دارد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:</p> <p>«سخنگوی حزب‌الله عراق اعلام کرد آمریکا و انگلیس مانع حضور نیروهای مردمی برای پاک‌سازی استان الانبار شدند». این جمله «لید خبر شماره نهم است. متن در ابتدا با گفتن این جمله که حکم «لید» خبر را دارد اصل مطلب را برجسته می‌کند و با استفاده از این تمهید گفتمانی درصدد اقناع مخاطب است مبنی بر اینکه غرب به سرکردگی آمریکا و انگلیس در روند تحولات عراق کارشکنی می‌کند و درواقع در همین ابتدا مرزبندی ایدئولوژیک خود را نشان می‌دهد.</p> <p>«-شيعه انگلیسی و اسلام آمریکایی»، «فتنه غرب برای تفرقه در جهان اسلام» دو عبارت آغازین نمونه خبری شماره یکم است که تأکید ساختاری و مرزبندی هویتی و ایدئولوژیک متن را در همان ابتدا مشخص می‌کند.</p> <p>-تأکید ساختاری یکی دیگر از متن‌های خبری مبارزه با استکبار است. این عبارتی است که به‌عنوان تیتراژ خبر شماره چهارم به‌کاررفته است و موضع ایدئولوژیک متن را کاملاً مشخص می‌کند.</p> <p>«-غرب به سردمداری آمریکا، ۳۷ سال درصدد است تا آرمان‌های انقلاب اسلامی را تضعیف کند». این جمله بخشی از «لید» خبر شماره ششم است. در این خبر تقابل ایدئولوژیک بین غرب و ایران در ابتدای متن مشخص می‌شود. در ابتدای متن غرب در هیئت یک سلطه‌گر ظاهر می‌شود که قصد تضعیف انقلاب را دارد. انقلابی که ضدهژمونی غربی است.</p>	<p>تأکید ساختاری</p>
<p>یکی از شیوه‌های بی‌اعتبار کردن «دیگران» تأکید و توجه بیش‌ازاندازه به تهدیدهای نسبت داده‌شده به «آنها» است. تهدیدهایی که ادعا می‌شود منافع جوامع و کشورهای دیگر را هدف قرار داده‌اند. با توجه به منافع گفتمانی و تعیین مرزهای هویتی، گفتمان حاکم با برجسته ساختن تهدیدات غرب به‌خصوص آمریکا علاوه بر اعتبارزدایی گفتمان غربی به مشروعیت‌یابی و هویت بخشی به «خود» می‌پردازد. با بررسی نمونه‌های خبری می‌توان از تهدیدات زیر نام برد:</p> <p>غرب (آمریکا) تهدیدی جدی برای صلح و آرامش منطقه است که برای تأمین منافع خود، منافع ما را با خطر مواجه ساخته، خطری همچون تجزیه و آشوب‌های داخلی؛ شبکه‌های ماهواره‌ای با حمایت و یا راه‌اندازی آنها توسط غرب منافع جهان اسلام را تهدید می‌کند</p> <p>آمریکا تهدیدی برای وحدت و آرامش جهان اسلام است؛ آمریکا تهدیدی برای امنیت،</p>	<p>منافع</p>

کارویژه‌ها و مقولات تحلیل گفتمان	عناصر
<p>استقلال، آزادی و پیشرفت ایران است؛ آمریکا تهدیدی برای ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است؛ سیاست‌های اسلام‌ستیزانه آمریکا خطری اساسی برای جامعه مسلمانان آمریکاست و به تشدید نژادپرستی می‌انجامد؛ بنابراین از تمهیدات گفتمانی که در هر متنی می‌تواند به کار رود این است که «دیگری» تهدید جدی برای «خود» تلقی شود.</p>	
<p>انسجام کلی، از طریق آنچه، سرفصل‌ها و درون‌مایه‌های متن می‌انگاریم، بیان می‌شود. درون‌مایه‌ها از نظر مفهومی، خلاصه متن هستند و مهم‌ترین اطلاعات آن را مشخص می‌کنند. گزاره‌های کانونی خبرهای بررسی شده عبارت بودند از:</p> <p>آمریکا با اتخاذ سیاست‌های خصمانه ضدایرانی درصدد تضعیف جمهوری اسلامی است / آمریکا همواره درصدد نفوذ در ایران است / آمریکا دائم در حال فتنه و توطئه علیه ایران است / آمریکا با حمایت از گروه‌های تکفیری درصدد تضعیف محور مقاومت است / آمریکا با اعمال نفوذ به دنبال تجزیه کشورهای منطقه است / تروریسم از طریق حمایت‌های آمریکا تقویت می‌شود / آمریکا با اقدامات جنایتکارانه خود از جمله سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس نمی‌تواند ادعاهای حقوق بشری داشته باشد / حقوق بشر آمریکایی با اعمال تجاوزکارانه و جنایت‌های آمریکا بی‌اعتبار است / تداوم تحریم‌های آمریکا بعد از توافق هسته با ایران نشانه‌ای از غیرقابل‌اعتماد بودن آمریکاست</p>	<p>انسجام کلی (درون‌مایه‌های متن)</p>

گام دوم: تبیین یافته‌های گفتمان خبری

چنانچه یافته‌ها نشان می‌دهد، توسل به گفتمان هراس اخلاقی منبع مهمی در بازنمایی سیاست‌های آمریکا است. گفتمان خبری سیمای جمهوری اسلامی ایران با توسل به گفتمان هراس اخلاقی بیشتر بر وجه تهدیدکنندگی، دشمنی‌ها و توطئه‌های آمریکا تمرکز دارد. آمریکا تهدیدکننده‌ای است که درصدد است تا ماهیت انقلاب اسلامی را تغییر دهد؛ آمریکا درصدد است تا از کنار توافق هسته‌ای (برجام) به نفوذ فرهنگی و سیاسی در ایران پردازد؛ آمریکا در مقاطع مختلف انقلاب اسلامی دشمنی خود را نشان داده است و با اتخاذ سیاست‌های استکباری و سلطه‌طلبانه به دنبال توطئه و تفرقه در ایران و جهان اسلام است؛ آمریکا جنایت‌های بی‌شماری انجام داده است؛ از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند و با ترور دانشمندان هسته‌ای ایران درصدد است تا جلوی پیشرفت ایران را بگیرد. گفتمان خبری سیما در مقابل وجه تهدیدکنندگی آمریکا به‌عنوان یک بیگانه بر ستیز و

مبارزه تأکید دارد. اگر دیگری بیگانه (آمریکا) هویتی تهدید کننده، متخاصم، جنایت کار، توطئه گر و سلطه گر دارد، هویت خودی، هویتی مقاوم، مبارز، ضدسلطه و بیگانه ستیز است. این هراس از بیگانه و در نتیجه بیگانه ستیزی حاصل از آن در خلأ صورت نگرفته بلکه باید به پس زمینه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تولید متن نگریست.

بنا به مدل ون دایک برای نحوه ارتباط معانی نهفته در متن باید تحلیلی از زمینه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تولید متن به دست دهیم. چنانچه گفته شد بازنمایی سیاست های آمریکا و رویکرد بیگانه هراسی و بیگانه ستیزی نهفته در آن را باید در پس زمینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی وسیع تری جست و جو کرد. نگرستن به پیشینه روابط ایران و غرب نشان می دهد که بسیاری از تحولات اجتماعی و سیاسی ایران معاصر تحت تأثیر مواجهه با مدرنیته بوده است. غرب برای ایرانیان گاهی شر و گاهی خیر قلمداد شده؛ گاهی تهدید و گاهی فرصت پنداشته شده؛ گاهی ارزش های غربی جامعه را هراسان و گاهی با استقبال روبرو شده است. این تلقی های مختلف از غرب هم زمان با هم وجود داشته و بسته به شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی یک روایت از غرب مسلط شده است. به این ترتیب غرب در گفتمان های هویتی معاصر یکی از محورهای اساسی برای تعریف خویشتن و هویت جامعه ایرانی بوده است. به این معنا، هویت ها و خود آگاهی ها در برابر غیریت ها و دیگران شکل گرفته و برساخته تلاقی خودبودگی ها و دگربودگی هاست.

گفتمان پهلویسم که با آمدن رضاشاه شکل می گیرد، اسلام را به عنوان دگر ایدئولوژیک، مسلمان ایرانی را به عنوان دگر درونی و اعراب را به مثابه دگر بیرونی خود تعریف کردند و سعی نمودند جغرافیای انسانی خود را در درون مدار و حریم گفتمانی غرب جست و جو و تثبیت کنند. گفتمان اسلام گرایان در تقابل و تضاد با پهلویسم شکل گرفت. این گفتمان تلاش داشت تا تاروپود برنامه و طرح رهایی خود از سلطه رژیم حاکم و نیز هژمونی غرب را در «بازگشت به اسلام و گذشته اسلامی» جست و جو کند. در این جریان به اسلام به مثابه یک دال متعالی نگریسته می شد و غرب به جای عرب به عنوان دگر خارجی بیان گردید (تاجیک، ۱۳۷۷: ۸۳-۱۰۰). در این دگرسازی آمریکا نسبت به سایر

کشورهای غربی برجستگی بیشتری دارد. اگرچه «تا سال ۱۹۴۱ بین ایران و آمریکا به لحاظ تاریخی مشترکات کمی وجود داشت که بتواند دور کشور را به هم نزدیک کند» (Lytle, 1987:1)؛ اما سال‌ها پس از آن و در سایه رقابت‌های جهانی، ایران به کانون تحولات تبدیل شد و آمریکا کم‌کم نقش پررنگی در سیاست ایران بر عهده گرفت. اولین مواجهه جدی ایران و آمریکا به سال ۱۳۳۲ شمسی بازمی‌گردد، هنگامی که دولت آیزنهاور تصمیم گرفت از کودتا علیه دولت ایران به نفع شاه حمایت کند (Snyder, 1999:277).

حمایت‌های آمریکا از حکومت پهلوی تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ادامه داشت. انقلاب اسلامی ایران نه تنها رابطه نزدیک ایران با آمریکا را پایان داد، بلکه ایران را به رقیبی تبدیل کرد که قصد بر هم زدن معادلات سیاسی منطقه و ایجاد تغییرات بنیادین در سیاست خاورمیانه را داشت (Criss, 2002:588). به این ترتیب انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ باعث تکوین هویت جدیدی برای کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی گردید. هویتی که نشأت گرفته از فرهنگ ایرانی-اسلامی بود و یک نظام ارزشی و هنجاری جدید پی‌ریزی کرد. این هویت جدید یعنی هویت انقلابی و اسلامی مرزبندی جدیدی از «خود» و «دیگری» ترسیم کرد و بر این اساس به معنی دهی به محیط پیرامون مبادرت ورزید. «طبق این مرزبندی جهان بیرون کاملاً دووجهی و دوگانه است و به دارالاسلام و دارالکفر و یا قلمرو مستضعفان و مستکبران تقسیم می‌شود. در این میان ایران به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام و یا الهام‌بخش جهان اسلام و غرب به‌خصوص آمریکا نماد استعمار، توسعه‌طلبی، بی‌عدالتی، جهان‌خواری و به‌طور کامل نماد باطل تعریف می‌شود» (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰:۳۰).

انقلاب اسلامی ایران بر اساس هویت جدید تعریف شده غرب و به‌خصوص آمریکا را به‌عنوان «دگر» اصلی این نظام شناخته است که رهبری انقلاب امام خمینی (ره) بر اساس واژه‌هایی چون «شیطان بزرگ» و «جهان‌خوار بزرگ» آن را بازنمایی می‌کرد. به‌عنوان مثال ایشان در موضعی صریح اعلام می‌کند: «تمامی گرفتاری‌های ما از این اجانب غربی است، از این آمریکاست، تمامی گرفتاری‌های مسلمین از آمریکاست، آمریکایی که

صهیونیزم را تقویت کرده که برادران مسلمان ما را فوج فوج می‌کشند» (امام خمینی ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۷۴). به همین ترتیب شعار محوری انقلاب اسلامی «نه شرقی نه غربی» که بعدها از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌شود نیز در همین راستا قابل فهم است. در واقع این شعار نوعی نفی «غیریت» است که روی دیگر سکه اثبات خودیت و هویت است. این «غیریت» در قرائت تاریخی خود بلوک شرق و کمونیسم و بلوک غرب، لیبرالیسم و سرمایه‌داری بود. از این رو از آغاز انقلاب تا تشکیل نظام، امام خمینی (ره) بر نفی غیریت به عنوان شرط حفظ هویت تأکید می‌ورزد:

ایران از همان بدو انقلاب و از قبل از بدو انقلاب که شالوده انقلاب ریخته می‌شد، مسیر، مسیر انبیا بوده، مسیر، مسیر راه مستقیم نه شرقی، نه غربی و جمهوری اسلامی بود. تاکنون هم ملت ما، به همان مسیر باقی است (امام خمینی ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۱۸۸). انقلاب اسلامی یک انقلاب عادی نیست و متکی به هیچ‌یک از دو قطب شرق و غرب نمی‌باشد از این جهت... با پیمودن صراط مستقیم لاشرقیه و لاغربیه در مقابل هر دو قطب ایستاده است (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۵).

به‌هرحال شکل‌گیری انقلاب اسلامی و رویکرد غرب‌ستیزانه و آمریکاستیزانه برخاسته از آن باعث شد تا انقلاب ایران در جهان غرب به‌عنوان مظهر بنیادگرایی شناخته شود. به عبارتی همگام با رویکرد غرب‌هراسی و غرب‌ستیزی ایرانیان، دنیای غرب نیز انقلاب اسلامی را به‌عنوان پدیده‌ای هراسناک و تهدیدکننده برای خود قلمداد کردند. بر این اساس است که وربنر و مودود از شکل‌گیری چرخه‌ای از هراس‌های اخلاقی بین ایران و غرب سخن می‌گویند.

وربنر و مودود با اشاره به امپریالیسم انگلیس و آمریکا در ایران از شکل‌گیری نخستین هراس اخلاقی می‌گویند؛ در زمان سلطنت شاه ایران و همراه با مدرنیزاسیون در ایران که از سوی آمریکا، توسط شاه ایران به اجرا درآمد، مردم ایران و به‌خصوص روحانیون، مداخله آمریکا و انگلیس را در مسائل داخلی ایران و علی‌الخصوص مقابله مؤلفه‌های مدرنیته با مؤلفه‌های مذهبی را برنفتند. آن‌ها این مداخله‌ها را هتک حرمتی علیه انسجام ملی ایرانیان

قلمداد می‌کردند. مدرنیزاسیون شاه در ایران همراه بود با کنار گذاشتن برخی از مؤلفه‌های مذهبی در ایران، همانند حجاب، تغییر تاریخ ایران از هجری به تاریخ پهلوی و قبل از اسلام و... که از نظر روحانیون و به تبع آن‌ها مردم، توهینی به مقدسات اسلامی و تقدس بخشیدن به مدرنیته غربی بود. در اینجا بود که نخستین هراس اخلاقی ایجاد شد؛ روحانیون نسبت به پیامدهای مدرنیته غربی و سرسپردگی شاه به آمریکا و انگلیس و عواقب وخیم آن برای اخلاقیات اسلامی و فرهنگ ایرانی، هشدار دادند. مردم نیز نسبت به از دست دادن هویت و دین خود بیمناک شدند و لذا برای مقابله با این هراس و از بین بردن آن با کمک روحانیون، انقلاب کردند» (ورنر و مودود، ۱۹۹۷ به نقل از آقاجانی، ۱۳۸۸:۴۹).

انقلاب ایران منجر به دومین هراس اخلاقی گشت؛ هراسی که این بار در غرب و نسبت به خشونت و بنیادگرایی اسلامی و تعصب و رادیکالیسم موجود در ایران به وجود آمد. «این انقلاب یک ترس سکولار از بنیادگرایی در مغرب زمین ایجاد کرد. این ترس در سطح سیاستمداران، روشنفکران و فرهنگ‌عامه پسند آن‌ها بود. این ترس در سطح سیاستمداران باعث شد که آن‌ها چشم خود را به نقض حقوق بشر در ترکیه و بوسنی هرزگوین و... که سیاست‌های سکولاریستی داشتند، ببندند و در سطح روشنفکران منجر به انتشار کتاب آیات شیطانی شد و در سطح فرهنگ‌عامه پسند مثل فیلم‌هایی چون بدون دخترم هرگز و... مصداق فرهنگ سینمایی این دگر هراسی است. بعد از انتشار کتاب آیات شیطانی دوباره ترسی از تجدد ایجاد می‌شود که منجر به صدور فتوا می‌شود. بلافاصله با صدور فتوا یک ترس جدیدی در غرب ایجاد می‌شود و سیاستمداران و روشنفکران غربی به دفاع از سلمان رشدی می‌پردازند و همچنان این چرخه ادامه پیدا می‌کند» (شهابی، ۱۳۹۴). از طرفی رسانه‌های ایران و به خصوص صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از دستگاه‌های بزرگ فرهنگی و ایدئولوژیک کشور و در چارچوب گفتمانی انقلاب اسلامی و مبانی هویتی آن به بازنمایی غرب و آمریکا پرداخته‌اند به گونه‌ای که این رویکرد در سیاست‌گذاری تلویزیون جمهوری اسلامی نمود یافته است.

در سند مهمی چون «قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۶۱/۴/۱۷ مجلس شورای اسلامی در فصل ششم مربوط به «برنامه‌های سیاسی» و ذیل ماده ۵۰ یکی از وظایف صداوسیما «سعی در جهت ارائه بینش سیاسی مکتبی به مردم، شناساندن اوضاع سیاسی و بین‌المللی و موقعیت استکبار جهانی و ملل مستضعف» گفته شده است. در همین فصل ماده ۵۱ از «تأکید بر هویت اسلامی انقلاب و خصیصه ضد استکباری آن و افشای تلاش‌های دشمن در تغییر این هویت» سخن می‌گوید و ماده ۵۲ وظیفه «آگاه ساختن مردم نسبت به نقشه‌های استعمارگران جهانی و عوامل داخلی آنان در جهت تضعیف یا به انحراف کشیدن انقلاب» را بر دوش سازمان صداوسیما می‌نهد. در این سند مهم تفاوت‌گرایی مبتنی بر تقابل‌های دوتایی و تمایز بین «خود» و «دیگری» دیده می‌شود. در جبهه خودی «هویت اسلامی»، «مردم» و «ملل مستضعف» مؤلفه‌های اساسی هویت «خودی» است و «فرهنگ غرب»، «استکبار جهانی»، «دشمن» و... از مصادیق «دیگری» است.

یکی دیگر از دستورالعمل‌های مهم سازمانی که نقش مهمی در تدوین و برنامه‌سازی در صداوسیما دارد کتاب «سیاست‌ها و ضوابط تولید، تأمین و پخش» است که سالانه توسط معاونت تحقیقات و برنامه‌سازی سازمان صداوسیما منتشر می‌شود. در این سند مهم نیز بر ضرورت نمایش دشمنی و پلیدی «دیگری» غربی تأکید شده است. در فصل سیاست‌ها و ضوابط ناظر بر تمام برنامه‌ها این کتابچه چنین آمده: نمایش برنامه‌هایی که نشانگر پلیدی دشمن و موجب تنفر به وی می‌شود با رعایت سلامتی روانی مخاطبین کودک و نوجوان، بدون اشکال است.

در بخش ضوابط و سیاست‌های ناظر بر برنامه‌های فرهنگی چنین آمده:

- سمت‌گیری کلی تمامی برنامه‌ها باید به تثبیت و استقلال فرهنگی ایران پردازد و غرب‌زدگی را تقبیح کند.
- رسانه باید فعالانه در صحنه مقابله تئوریک با نظریه‌های التقاطی محافل داخلی که در نهایت مبانی فرهنگ غرب را تأیید می‌کند، حضور داشته باشد.

- در بخش ضوابط و سیاست‌های ناظر بر برنامه‌های سیاسی چنین آمده:
- پیام‌های رسانه نباید در اذهان مخاطبان-به خصوص جوانان- موجب کم‌اهمیت جلوه داده خطر دشمنان انقلاب اسلامی و توطئه‌های آنان گردد.
- ذیل بخش خبر:
- پخش اخبار نباید موجب تقویت دشمنان، تضعیف انقلاب سلامی و نظام و روحیه عمومی مردم گردد.
- پخش اخبار، گزارش‌های خبری و تفاسیر باید موضع تهاجمی نسبت به دشمن داشته باشد و از انفعال برنامه‌های خبری و سیاسی در مقابل دشمن به‌طور جدی اجتناب شود.

بر این اساس است که پوشش خبری کشورهای غربی در گفتمان خبری سیمای جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص آمریکا از سیاست خاصی پیروی می‌کند که ریشه در گفتمان انقلاب اسلامی و مرزبندی‌های حاصل از آن دارد. به‌طور خلاصه نگرانی‌هایی که همواره از تهدید ارزش‌ها و هنجارهای بومی توسط غرب و به‌خصوص آمریکا وجود دارد، تأثیر زیادی بر سیاست‌های فرهنگی و ارتباطی داشته است. مسائلی چون شیخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی، تهاجم فرهنگی و رویکردهای خصمانه آمریکا، هراس‌ها و تهدیداتی هستند که همچنان در سیاست بازنمایی «آمریکا» در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران تداوم دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی ساختارهای متنی و مقولات تحلیل گفتمان خبری، مؤلفه‌های گفتمانی زیر از نحوه بازنمایی سیاست‌های آمریکا در بخش خبری ساعت ۲۱ قابل استخراج است:

جدول ۳. مؤلفه‌های گفتمانی بر اساس معرفی خود و دیگری

معرفی خود	معرفی دیگری (غرب)
<p>● مبارزه با تروریسم: موضع ایران حمایت از جبهه مقاومت در خاورمیانه و مبارزه با تروریسم است.</p> <p>● قربانی تروریسم: جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب همواره در معرض اقدامات تروریستی قرار گرفته است. از ترور مقامات سیاسی کشور در اوایل انقلاب تا ترور دانشمندان هسته‌ای به کمک غرب.</p> <p>● حمایت از وحدت جهان اسلام: ایران خواهان وحدت و آرامش در جهان اسلام است و از اختلاف دوری می‌کند. به این ترتیب از گروه‌های افراطی شیعه و سنی بیزار است و دخالت غربیان برای ایجاد اختلاف و تفرقه در جهان اسلام را محکوم می‌کند.</p> <p>● پیشرفت: ایران در حوزه‌های مختلف با اتکا به توان داخلی خود و علی‌رغم محدودیت‌های غربیان به پیشرفت‌های مهمی دست یافته است. صنعت هسته‌ای و صنعت موشکی از جمله این پیشرفت‌هاست.</p> <p>● قربانی جنایت: ایران یکی از قربانیان جنایت‌هایی است که غرب در آن نقش اساسی دارد. حمایت از صدام در جنگ هشت‌ساله با ایران و همین‌طور هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس توسط آمریکا از جمله جنایت‌های آن‌هاست.</p> <p>● مبارزه با سلطه و حفظ استقلال کشور: ایران همیشه در صحنه است و از دستاوردهای انقلاب اسلامی صیانت می‌کند. به مبارزه با سلطه غرب ادامه می‌دهد و برای حفظ استقلال کشور از هر کوششی فروگذار نیست.</p>	<p>● حامی تروریسم: آمریکا برخلاف رسالتی که برای خود در مبارزه با تروریسم تعریف کرده است. از گروه‌های تروریستی در خاورمیانه نظیر داعش و القاعده حمایت می‌کند.</p> <p>● توطئه‌گر: آمریکا در راستای منافع خود از هیچ توطئه‌ای علیه ایران و جبهه مقاومت فروگذار نیست.</p> <p>● تفرقه و اختلاف‌افکنی: آمریکا منافع خود را در ایجاد اختلاف و تفرقه در درون و بین کشورهای اسلامی می‌داند. نظیر اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی.</p> <p>● ضدیت با پیشرفت ایران (عقب‌مانده نگه‌داشتن): جمهوری اسلامی به پیشرفت‌های مهمی نظیر هسته‌ای دست پیدا کرده که از دلایل دشمنی آمریکا همین پیشرفت است و خواهان عقب‌ماندگی ایران است.</p> <p>● نژادپرستی: در آمریکا ریشه‌های نژادپرستی هنوز خشک نشده است. به‌خصوص در آمریکا تبعیض و تنفر عمیقی نسبت به مسلمانان وجود دارد. این نژادپرستی محصول سیاست مقامات و دولت آمریکا در قبال مسلمانان است.</p> <p>● جنایت‌کار: آمریکا در جنایت‌های متعددی علیه ایران و جهان اسلام دست داشته است. یکی از نمونه‌های آن حمایت از صدام در جنگ با ایران و استفاده از سلاح شیمیایی.</p> <p>● غرب سلطه‌گر: آمریکا همواره به دنبال تداوم مناسبات سلطه است. در این رابطه غرب در موضع فرادست همواره خواهان سیادت خود بر فرودستان است.</p> <p>● ناقص حقوق بشر: آمریکا که مدعی دفاع از حقوق بشر است، هم در کشورهای خودشان و هم جهان اسلام یکی از ناقضین حقوق بشر است.</p> <p>● اسلام‌ستیزی: آمریکا با دامن زدن به اسلام‌هراسی</p>

معرفی خود	معرفی دیگری (غرب)
<p>● حمایت از جبهه مقاومت: انقلاب اسلامی در راستای سیاست ضد استکباری خود از گروه‌های مقاومت در منطقه حمایت می‌کند.</p> <p>● نفی قرائت خشونت‌آمیز از دین: ایران خشونتی که به نام مذهب انجام می‌گیرد نظیر حوادث تروریستی را محکوم می‌کند و اسلام واقعی را از چنین اقداماتی می‌داند.</p> <p>● اقتدار دفاعی: ایران خواهان اقتدار دفاعی خود است و طبق منشور ملل متحد حق طبیعی ایران است.</p> <p>● آگاهی: مردم ایران از آگاهی لازم برخوردار است. همین آگاهی از وضعیت استعماری خود در گذشته و تداوم سیاست‌های استکباری غرب بعد از انقلاب زمینه تلاش برای رهایی از این وضعیت و مبارزه با سلطه را فراهم کرده است.</p>	<p>توسط رسانه‌ها زمینه خشونت، تبعیض، حملات فیزیکی و شفاهی علیه مسلمانان را به وجود آورده است.</p> <p>● نفوذ: غرب به‌خصوص آمریکا بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نفوذ خود را در ایران گسترش داد. بعد از انقلاب نیز همواره درصدد نفوذ به ایران بوده است. توافق هسته‌ای وین مستمسکی برای آمریکا شده تا بتواند پروژه نفوذ را تشدید کند و هدف خود مبنی بر تغییر ماهیت انقلاب اسلامی را عملی کند.</p> <p>● استعمار: آمریکا در قبال خاورمیانه و ایران همواره سیاست‌های استعماری داشته و در دوران جدید نیز سیاست نو استعماری را دنبال می‌کند. کودتای ۲۸ مرداد یکی از نمونه‌های اهداف استعماری آمریکا علیه ایران است.</p>

مؤلفه‌های گفتمانی بالا نشان می‌دهد که گفتمان خبری شبکه یک در بازنمایی سیاست‌های آمریکا «دیگر هراسی» و «دیگر ستیزی» را بازتولید و در مقابل بر هویت خودی به‌عنوان هویتی «مبارزه»، «انقلابی»، «آگاه» و... تأکید می‌کند. تبیین گفتمان خبری نشان داد که پوشش خبری آمریکا و سیاست بازنمایی شبکه یک، متأثر از دستورالعمل‌های سازمانی و زمینه فرهنگی و اجتماعی مسلط است.

آمریکا همواره سیاست‌های تقابلی و خصومت‌آمیزی با ایران داشته، این خصومت‌ها به‌عنوان یک تهدید گفتمان حاکم را به سمتی سوق داده که مدام به گفتمان هراس اخلاقی متوسل شود. گفتمان خبری در نمونه‌هایی چنین هراسی را بازتاب داده است. ماهواره هراسی، توطئه، نفوذ و تغییر ماهیت انقلاب اسلامی از جمله نمونه‌هایی است که خطر آمریکا را گوشزد کرده است. این‌ها نگرانی‌هایی است که مرزهای اخلاقی جامعه را تهدید می‌کنند و گفتمان حاکم و به‌تبع رسانه‌های وابسته به‌عنوان نگهبان ارزش‌ها و هویت انقلاب اسلامی این خطرات را برجسته می‌کنند تا از طرفی تقویت‌کننده گفتمان مبارزه و پایبندی

به حفظ ارزش‌ها باشد و از طرفی زمینه طرد «دگر» داخلی که با «دگر» خارجی هم‌نواپی می‌کند فراهم کند؛ اما آیا با تبیین مارکسیستی چنین بازنمایی را باید در راستای یک مهندسی اجتماعی برای تثبیت هژمونی و سرکوب گفتمان رقیب تلقی کرد؟ به نظر می‌رسد انگیزه‌های توسل به گفتمان هراس اخلاقی را باید از تهدیدات جدی دانست؛ چراکه تجربه تاریخی چنین چیزی را نشان می‌دهد. اگر گفتمان هراس اخلاقی راجع به غرب در قبل از انقلاب در فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه شکل گرفت، با پیروزی انقلاب اسلامی این گفتمان به حوزه سیاست رسمی راه یافت و توسط گفتمان حاکم بازتولید شد. پس چنانچه بن یهودا و گود اشاره کردند غرب‌هراسی می‌تواند به انگیزه‌های ایدئولوژیک و پاسداری از ارزش‌ها مرتبط باشد. گفتمانی که در قبل از انقلاب در واکنش به مدرنیزاسیون غربی شکل گرفت طبیعی است که بعد از انقلاب و تسلط گفتمانی خود عنصر بیگانه‌هراسی و بیگانه‌ستیزی را بسط دهد. باین وجود هراس اخلاقی چون بر مبنای مکانیسم ماریپچ سکوت عمل می‌کند زمینه به حاشیه راندن گفتمان‌های رقیب را فراهم می‌کند.

منابع

- اکبر زاده جهرمی، سید جمال‌الدین. (۱۳۹۱). *بازنمایی غرب در سریال‌های سیمای جمهوری اسلامی*، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵). *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نشر عروج
- اهداف، محورها، اولویت‌ها و سیاست‌های تولید، تأمین و پخش. (۱۳۸۴). تهران، مرکز طرح و برنامه‌ریزی معاونت تحقیقات و برنامه‌ریزی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- آزاد ارمکی، تقی و نبوی، سید حسین. (۱۳۹۲). نخستین صورت سازه فرهنگی «غرب» و «تجدد» در ایران معاصر، *مسائل اجتماعی ایران*، سال چهارم، شماره ۱، صفحه ۷-۳۱.
- آقاجانی، زهرا. (۱۳۸۸). الگوهای رمزگشایی فیلم بدون دخترم هرگز در میان مخاطبان ایرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- بارکر، کریس. (۱۳۹۱). *مطالعات فرهنگی (نظریه و عملکرد)*، (مهدی فرجی و نفیسه محمدی، مترجمان)، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۷)، غیریت و هویت شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران، *پژوهش‌نامه متین*، زمستان ۱۳۷۷، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۶.
- رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام. (۱۳۹۰). هویت انقلابی-اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران در گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صص ۲۹-۴۸.
- شهابی، محمود (۱۳۹۴). *کارناوالی شدن و هراس اخلاقی* (فایل صوتی)، بازیابی در ۳۰ آذرماه ۱۳۹۴: www.ihcs.ac.ir/Pages/Features/NewsDetail.aspx?id=%2012051
- فرانکفورد، چاوا، نجمیاس، دیوید (۱۳۸۱). *روش پژوهش در علوم اجتماعی*، (فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، مترجمان)، تهران: سروش.
- فیسک، جان (۱۳۸۰). فرهنگ تلویزیون (مترجمان برومند، مترجم). *مجله ارغنون*، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۰، صفحه ۱۲۵ تا ۱۴۲.

قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱/۴/۱۷ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۵). بازیابی ۱۴ فروردین‌ماه ۱۳۹۵ از: تارنمای

مرکز پژوهش‌های مجلس

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴). *عصر اطلاعات؛ قدرت هویت، جلد دوم*، (حسن چاووشیان، مترجم)، تهران: طرح‌نو.

مهدی زاده، محمد (۱۳۸۳). *بازنمایی ایران در مطبوعات غرب: تحلیل انتقادی گفتمان «نیویورک تایمز»*، «لوموند» و «دی ولت». رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

مهدی‌زاده، محمد (۱۳۸۹). *نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، چاپ اول، تهران: همشهری

میرسپاسی، علی (۱۳۹۳). *تأملی در مدرنیته ایرانی؛ بحثی درباره گفتمان‌های روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران* (جلال توکلیان، مترجم). چاپ اول، تهران: ثالث.

ون دایک، تئون ای (۱۳۸۹). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی* (پیروز ایزدی، شعبان‌علی بهرام‌پور، محمدجواد غلامرضا کاشی، علیرضا خرمایی و تزا میرفخرایی، مترجمان). چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

هال، استوارت (۱۳۹۳). *معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی* (احمد گل محمدی، مترجم). چاپ دوم، تهران: نشر نی.

هاوکس، ترسن (۱۳۷۷). *استعاره* (فرزانه طاهری، مترجم). تهران: نشر مرکز.

Cohen, S. (2002), *Folk Devils and Moral Panics*. London: Routledge.

Criss, Nurbilge (2002). A short history of anti-Americanism and terrorism: the Turkish Case, *The Journal of American History, History and September 11: A Special Issue 89/2* (September 2002): 472-84. Available at: <http://www.jstor.org/stable/3092168> (accessed 1 October 2017).

Gandhi, L. (1988). *Postcolonial Theory*. Critical Introduction, Edinburgh: Edinburgh University Press.

Hall, S. & Jhally, S. (2007), *Representation & the Media*, Northampton, MA: Media

Lytle, M. (1987). *The Origind of the Iranian-American Alliance, 1941-1953*, New York: Holmes & Meier.

Mac Robbie, A. (1994). *Postmodernism and popular culture*: London: Routledge.

- Snyder, R. (1999). The US and Third World revolutionary states: understanding the breakdown in relations, *International Studies Quarterly* 43/2: 265-90. Available at: [http:// www. Jstor.org/stsble/2600756](http://www.Jstor.org/stsble/2600756) (accessed 1 October 2017).
- Woodward, K ath(2000). *Questioning identity: gender, class, nation*, London: Routledge,The open university

